

## تجارت نجات بخش انسان

در آموزه‌های اسلامی و قرآنی دنیا میدان تجارت و داد و ستد است، برخی در این تجارت سود می‌برند و عده‌ای نیز در آن دچار خسارت و زیان می‌شوند. امام هادی (ع) فرمود: «الدنيا سوق ربح فيها قوم و خسر آخرون»<sup>۱</sup>: دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌برند و گروهی در آن دچار خسران می‌شوند. با توجه به این که دنیا میدان و مرکز تجارت است، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که عبارتند از:

۱. مراد از میدان تجارت بودن دنیا چیست؟

۲. سرمایه آدمیان در این دنیا چیست؟

۳. خریدار و فروشنده چه کسی است؟

۴. کالایی که مورد معامله قرار می‌گیرد چه چیزی است؟

۵. هدف از این تجارت چیست؟

۶. چه کسانی در این میدان تجارت، سود می‌برند و چه کسانی در این تجارت دچار خسران

می‌شوند؟

و ...

این گفتار در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات از منظر قرآن برخواهد آمد.

واژه‌های بیع، شراء و اشتراء، تجارت، ربح، و خسران در قرآن کریم نشانه آن است که صحنه

---

۱. تحف العقول، ص ۴۸۳

زندگی و عرصه حیات آدمی میدان تجارت او با خدا و یا میدان تبادل با شیطان است، قرآن کریم تجارت سودآور انسان‌ها را با خدا و تجارت زیان بار و خسارت خیز او را با شیطان به خوبی ترسیم کرده است. در تبیین تجارت با خدا می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجِيبُكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾؛ آیا می‌خواهید شما را به تجارتی که مایه رهایی از کیفر دردناک الهی است، هدایت کنم، آن تجارت این است که در مرحله اول که مرحله اعتقاد است به خدای سبحان و رسولش ایمان بیاورید، و در گام بعدی که مرحله عمل است با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنید و این تجارت برایتان بهتر است، اگر بدانید ره‌آورد این تجارت از یک سو مغفرت و آمرزش الهی و از سوی دیگر رهایی از عذاب الهی و دستیابی به بهشت جاودان است. بنابراین خدایی که انسان‌ها را آفریده و قرارگاه آن‌ها را در زمین و دنیا قرار داده است، خود این دنیا و قرارگاه موقت آدمی میدان تجارت و داد و ستد است.

## وجه اشتراک و افتراق تجارت بشری و الهی

داد و ستد بشری مشتمل بر چهار رکن فروشنده، خریدار، کالا و بها است این ارکان چهارگانه کاملاً از یکدیگر متمایز و جدا هستند، زیرا فروشنده کالایی را عرضه می‌کند و خریدار با بهایی که می‌پردازد کالای مزبور را با شرایط خاصی مالک می‌شود گرچه ممکن است فروشنده در این رهگذر سودی ببرد و یا گرفتار خسران و غبن شود.

---

۱. سوره صف، آیات ۱۰ - ۱۲

داد و ستدهای مهم افزون بر ارکان یاد شده دو رکن دیگر نیز دارد؛ یکی تنظیم سند است و دیگری شاهد و گواه. اما تجارت انسانی با خدا در مقایسه با تجارت‌های بشری مشترکاتی دارد و تفاوت‌هایی، وجه اشتراک آن در اشتغال بر ارکان شش‌گانه مزبور است، خدای سبحان در تبیین ارکان شش‌گانه تجارت الهی فرمود: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾؛ خدای سبحان، از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده است که در برابرش بهشت برای آنان باشد به این گونه که در راه خدا بیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ.

بر اساس این آیه، در این تجارت؛ ۱. خریدار خدای سبحان، ۲. فروشنده انسان مؤمن، ۳. مورد معامله: جان پاک و مال پاکیزه، ۴. بها: بهشت ابدی، ۵. شاهد: انبیای الهی، ۶. سند رسمی و امضاء شده آن کتاب‌های آسمانی آنان یعنی تورات و انجیل و قرآن کریم است.

اما تفاوت تجارت الهی با تجارت بشری آن است که تجارت با خدا درجاتی دارد در برخی درجات آن گرچه ارکان چهارگانه، فروشنده، خریدار، کالا و بهاء وجود دارد لیکن فروشنده عین کالا و خریدار عین بهاست و فرقیان تنها به اعتبار است. زیرا در این نوع تجارت فروشنده به حقیقت هستی

خود را می‌دهد و لقاء و دیدار خریدار را می‌خرد.

به عبارت دیگر: در تجارت بشری فروشنده کالایی خاص جز هستی خود را می‌فروشد. از باب مثال کالایی مانند پارچه را می‌فروشد و این پارچه غیر فروشنده است و خریدار نیز با پرداخت بهایی خاص متاع فروشنده را می‌خرد و این بهاء غیر از دیدار خریدار است ولی گاهی تفاوت فروشنده و کالا و خریدار و بهاء اعتباری است، زیرا فروشنده حقیقت هستی خود را می‌دهد و آن با شهادت در میدان جهاد حاصل می‌شود. مشتری نیز به جای هر چیز لقای خود را بهره فروشنده می‌کند و به او اجازه ملاقات و دیدار خود را می‌دهد. مؤمنان متوسط خود را به خدای سبحان می‌فروشند تا در مقابل آن بهشت بگیرند ولی برخی اهل ایمان به کمتر از لقای الهی رضایت نمی‌دهند.

## سرمایه انسان در این تجارت

سرمایه انسان در میدان تجارت دنیا هدایت فطری، قدرت فهم و عقل، نیروی کار و عمر آدمی است که اگر در راه تحصیل عقاید و معارف الهی و اعمال صالح صرف شود تجارتي بی‌خسارت و سودآور خواهد بود و اگر در غیر این راه صرف شود تجارتي زیانبار است و به دیگر سخن اگر کسی با سرمایه‌های علمی و عملی خود به تجارت با خدا پرداخت سودمند است، و اگر با او معامله نکرد او به حقیقت اهل خسارت است. ﴿وَالْعَصْرُ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛ به عصر سوگند، انسان‌ها همه در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه

---

۱. سوره عصر، آیات ۱ - ۳

نموده‌اند.

انسان سرمایه‌های وجودی خود را چه بخواهد و چه نخواهد از دست می‌دهد، ساعات، ایام، ماه‌ها و سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد، و نیروهای معنوی و مادی تحلیل می‌رود و توان و قدرت کاسته می‌شود.

یک قلب استعداد معینی برای ضربان دارد وقتی آن استعداد و توان پایان گرفت، قلب خود به خود می‌ایستد بی آن که عیب و علت در کار باشد، همچنین سایر دستگاه‌ها و سرمایه‌های وجودی انسان و سرمایه‌ها و استعدادهای او، همه انسان‌ها زیان می‌کنند و تنها یک راه برای جلوگیری از این خسران عظیم و زیان قهری وجود دارد تا این زیان را به منفعت و سودی عظیم مبدل کند؛ و آن به این است که با رفتن این سرمایه، سرمایه گران‌بها تر و ارزشمندتر به دست آورد و آن سرمایه عظیم، ایمان و عمل صالح و سفارش همدیگر به حق و شکیبایی است که در آن رضای خدا و وصول به مقام او باشد. بنابراین کسی که با از دست دادن این سرمایه، مالی به دست آورد یا مقامی تحصیل کند و کاخ و قصری فراهم سازد و یا عیش و نوش و لذت زود گذر دنیوی را تأمین نماید، دچار خسارت فوق العاده شده است اما اگر با آن سعادت جاودانه تحصیل کند می‌تواند ادعا کند سودی عایدش شده است.

قرآن کریم بر اساس سوره «والعصر»، نجات آدمی را از خسران عظیم بر چهار اصل مبتنی کرده است:

۱. ایمان؛ که زیر بنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد، زیرا تلاش‌های عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل است که انبیاء الهی قبل از هر چیز به مبانی فکری و اعتقادی امت‌ها می‌پرداختند.

۲. اعمال صالح به عنوان میوه درخت پر ثمره ایمان؛ یعنی هر کار شایسته‌ای که وسیله تکامل نفوس بشری و پرورش اخلاق و وسیله قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه‌ها شود، خواه عبادات باشد، خواه انفاق در راه خدا و خواه جهاد در راه خدا و یا کسب علم و دانش و مانند آن.

۳. دعوت همگانی و عمومی به سوی حق، انسانی که می‌خواهد از خسارت و زیان نجات پیدا کند باید نسبت به جامعه احساس مسئولیت کند و آن‌ها را به آن چه که واقعیت و مطابق با واقعیت است سفارش کند یعنی هم امر به معروف و نهی از منکر کند و به تعلیم دادن و ارشاد جاهل پردازد و هم غافلان را بیدار سازد و بالاخره همه را به حقی تشویق نماید و به تبلیغ و ایمان و عمل صالح اقدام کند.

۴. سفارش همدیگر به شکیبایی و استقامت، یکی از اصول برای نجات از خسارت، سفارش دیگران به شکیبایی و پایداری در اطاعت خدا و دوری از معصیت الهی و مصائب و حوادث ناگوار است.

## تجارت و معامله با شیطان

برخی انسان‌ها در میدان تجارت دنیا با شیطان داد و ستد می‌کنند که در این تجارت دچار خسارت فوق العاده می‌شوند.

در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَهَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا

مُهْتَدِينَ ﴿۱﴾ منافقان کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته‌اند و این تجارت آن‌ها سودی ندارد و هدایت نیافته‌اند.

در واقع منافقان با فروش هدایت و خریداری ضلالت هیچگاه سود و بهره‌ای نخواهند داشت. گمراهان در واقع با شیطان که متولی ضلالت و گمراهی انسان‌هاست داد و ستد می‌کنند، سرمایه‌های انسانی را از دست می‌دهند و به جای آن کالایی را می‌خرند که عذاب و دوزخ جاودانی را برای آنان تأمین کند، در تجارت انسان با شیطان به لحاظ این که او مالک و صاحب اختیار خود نیست و همه چیز خود را به شیطان داده است دچار بدترین معامله شده است. قرآن می‌فرماید: ﴿بَشِّرْهُم بِأَنَّهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ﴾؛<sup>۱</sup> آنها در مقابل بهای بدی خود را فروختند که به ناروا به آیاتی که خدا فرستاده بود کافر شدند». و در آیه ۱۰۲ سوره بقره فرمود: ﴿وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهٖ أَنفُسُهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾؛<sup>۲</sup> و چه زشت و ناپسند بود آن‌چه خود را به آن فروختند اگر می‌دانستند.

منافقان در دنیا سرمایه فطرت و هدایت خویش را می‌فروشند و ضلالت می‌ستانند و اگر آدمی سرمایه ظاهری را بفروشد چون بایع غیر از سرمایه است. راه برای تحصیل سرمایه مجدد باز است. اما اگر کسی خود را بفروشد دیگر راهی برای تحصیلی سرمایه جدید ندارد، منافقان و کافران که خود را به شیطان فروختند همه راه‌های کسب سود را به روی خود بسته‌اند چنان‌چه راه تحصیل سرمایه مجدد را نیز مسدود کرده‌اند.

شیطان نیز که مشتری حقیقی انسان‌های منافق، کافر و تبهکار است، این گونه نیست که پس از

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۶

۲. سوره بقره، آیه ۹۰

خریداری و تملک و نیز اسیر کردن انسان خریداری شده، بر او منت گذارده و آزادش کند، بلکه در دنیا انسان خود فروخته را تحت ولایت خودش می‌گیرد و همواره به زبان او سخن می‌گوید و با چشم او می‌نگرد: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِمُرِهِمْ مَلَائِكًا وَ اتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَاكًا فَبَاطِلٌ وَ فَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَانظُرْ بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطِقْ بِأَلْسِنَتِهِمْ»؛<sup>۱</sup> این زشت سیرتان شیطان را ملاک و اساس کار خود قرار دادند، او نیز آنها را به عنوان دام‌های خویش (یا شریکان خود) برگزید و به دنبال آن در سینه‌های آنها تخم گذاری کرد، سپس آن را مبدل به جوجه نمود، این جوجه‌های شیطانی از درون سینه‌های آنان خارج شده، در دامانشان حرکت کرد و پرورش یافت و سرانجام کارشان به جایی رسید که شیطان با چشم آنها نگاه کرد و با زبانشان سخن گفت، آنها را بر مرکب لغزش‌ها سوار کرد و سخنان فاسد و باطل را در نظرشان زینت بخشید و به این دلیل، اعمال آنها اعمال کسی است که شیطان او را در سلطه شریک خود ساخته و سخنان باطل را بر زبان او نهاده است. شیطان نه تنها در دنیا آنها را راهنمایی می‌کند که در آخرت نیز قرین آنان است چنان که فرمود: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بُعِدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾<sup>۲</sup>؛ تا زمانی که در قیامت نزد ما حاضر شود، می‌گوید: ای کاشی میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی بودی. در واقع پیروان شیطان از حشر با او در قیامت در رنجند. بنابراین کسی که سرمایه هستی خود را باخت، هدایت پذیر نیست، ناگفته نماند این هدایت ناپذیری معلول سوء اختیار خود منافقان است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۷

۲. سوره زخرف، آیه ۳۸



## ره آورد تجارت با خدا

انسان مؤمنی که در میدان تجارت، با خدا شرکت می‌کند، این تجارت برای او پیامدها و ره‌آوردهای فراوانی دارد که بالاترین آن دیدار با پروردگار است، اما برای مراتب پایین‌تر پیامدها و نتایجی مترتب می‌شود. قرآن فرمود: علاوه بر نجات از عذاب دردناک الهی، ﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ \* وَ أُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغ‌هایی از بهشت جاودان جای می‌دهد، و این پیروزی عظیم است و نعمت دیگری که آن را دوست دارید به شما می‌بخشد و آن یاری خداوند و پیروزی نزدیک است، و مؤمنان را به این پیروزی بزرگ بشارت ده.

بر اساس آموزه‌های این آیه، ره‌آورد تجارت با خدا عبارت است از: ۱. بخشش گناهان، ۲.

راهیابی به بهشت جاودان، ۳. پیروزی بر دشمن، ۴. نصرت الهی و پیروزی نزدیک.

## ویژگی‌های مؤمنان و تاجران پر سود

در سوره توبه پس از دعوت به شرکت در معامله پر سود با خدا، به ویژگی‌های کسانی می‌پردازد

که در این معامله شرکت می‌کنند و آنها را به این صورت بیان می‌کند: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ

السَّائِحُونَ الرَّكَعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ

الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ مؤمنان کسانی هستند که توبه کنندگانند، و عبادت‌کاران، سپاس‌گویان، سیاحت‌کنندگان،

---

۱ سوره صف، آیات ۱۲ و ۱۳

۲ سوره توبه آیه ۱۱۲

رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود و مرزهای الهی و بشارت ده به مومنان.

بر اساس این آیه، در واقع مومنان کسانی هستند که دارای ویژگی‌های ذیل‌اند:

۱. توبه‌کار: کسانی که دل و جان خود را با آب توبه از گناهان شستشو می‌دهند.

۲. عابدان: کسانی که در پرتو ارتباط با خدا و پرستش ذات پاک او خود سازی می‌کنند و با او به راز و نیاز و نیایش می‌پردازند و در برابر او سر تسلیم فرود می‌آوردند.

۳. سپاس‌گزاران نعمت‌های الهی: کسانی که در برابر نعمت‌های مادی و معنوی پروردگار سپاس می‌گویند.

۴. استمرار بر عبادت خدا و اطاعت از او: کسانی که پیوسته و مستمرا به عبادت خدا و طاعت او ادامه می‌دهند. گرچه سیاحت معنای عامی دارد و می‌توان آن را بر سیر و سیاحت بر روی زمین به منظور شناخت جوامع بشری و آشنایی با عادات و رسوم و سیاحت به منظور کسب علوم و دانش‌های اقوام و ملت‌هایی که دارای اندیشه‌های زنده هستند تا از این طریق خود اندیشه‌اش را زنده و فکر خود را پخته سازد.

ممکن است مراد کسانی باشند که به سوی میدان مبارزه و جهاد با دشمن به سیر و حرکت می‌پردازند و ممکن است مراد سیر عقل و فکر در مسائل مختلف مربوط به جهان هستی و عوامل سعادت و پیروزی و اسباب شکست و ناکامی باشد.

۵. رکوع‌کنندگان: کسانی که به دلیل معرفت و شناخت خدا و جمال و جلال او و شناخت عظمت او در برابر او سر خم می‌کنند و به رکوع می‌پردازند.

۶. سجده کنندگان: کسانی که فقط خدا را شایسته مسجود واقع شدن می‌دانند و تنها در برابر او سجده می‌کنند.

۷. امر کنندگان به معروف: کسانی که مردم را به معروف و نیکی‌ها دعوت می‌کنند.

۸. نهی کنندگان از امور ناپسند: کسانی که با هرگونه فساد و منکری مبارزه می‌کنند.

۹. نگهبانان مرزهای الهی: کسانی که مهمترین وظیفه اجتماعی خود را حفظ حدود الهی و اجرای قوانین او و اقامه حق و عدالت می‌نمایند.

از دقت در این ویژگی‌ها دانسته می‌شود که انسان هم باید به تربیت و تهذیب نفس و خودسازی بپردازد و هم با انجام وظائف اجتماعی به پاکسازی محیط و جامعه بپردازد.

## نمونه‌ای از فروش جان و خرید رضوان

فداکاری بزرگ امیرالمؤمنین در لیلۃ المبیت و خوابیدن آن حضرت به جای پیامبر اکرم (ص) و

گذشتن از هستی خود و به استقبال ضربه‌های شمشیر مهاجمان قبیله حجاز رفتن بهترین نمونه فروختن

جان برای رسیدن به رضوان و القای الهی بود: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ

رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ بعضی از مردم با ایمان و فداکار جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند و

خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۰۷

## سرمایه‌های علمی انسان

خدای سبحان انسان را با سرمایه‌های علمی آفریده است، سرمایه‌های علمی انسان دارای دو بخش

است:

۱. علم حصولی و اکتسابی؛ که از راه اندام‌های ادراکی مانند چشم و گوش و دیگر حواس ادراکی

به رهبری عقل بدست می‌آید. و انسان در آغاز تولد تنها از ابزار تحصیل آنها بهره‌مند است. ﴿وَ

اللَّهُ أَخْرَجَكُم مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ﴾؛ و خدا شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و

برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد تا شکر نعمت‌های او را به جا آورید.

۲. علم حضوری و شهودی؛ علمی که خدای سبحان با سرمایه‌ای گران‌بها آفرید و آن تسویه جان

آدمی و الهام فجور و تقوا به اوست؛ ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا \* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا﴾؛

سوگند به نفس آدمی و آن کسی که او را مرتب و منظم ساخت و سپس فجور و تقوی را به او

الهام کرد.

تسویه بدن آدمی به داشتن اندام‌هایی چون چشم، گوش، دهان و مانند آنهاست و انسان با نداشتن

یکی از آنها معیوب است، و تسویه جان او به آگاهی و معرفت او نسبت به فجور و تقواست.

این سرمایه علم حضوری با الهام الهی در انسان تحقق پیدا می‌کند و اگر کسی این سرمایه را از

---

۱. سوره نحل، آیه ۷۸

۲. سوره شمس، آیات ۷ و ۸

دست داد یعنی فطرت خویش را در گور هواهای نفسانی مدفون ساخت، دیگر از روح و نفس انسانی برخوردار نیست و معنای صحیح انسانیت بر او صدق نمی‌کند.

### تجارت معنوی در سخنان امام علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه فرمود: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ غَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ»؛ در حقیقت جایگاه صدق و راستی است برای آن کسی که با آن به راستی رفتار کند و خانه تندرستی است برای آن کسی که از آن چیزی بفهمد و سرای بی‌نیازی است برای آن کسی که از آن توشه بگیرد و محل اندرز است برای آن کسی که از آن اندرز گیرد، مسجد دوستان خداست و نمازگاه فرشتگان پروردگار و محل نزول وحی الهی و تجارت خانه اولیاء حق، آن‌ها در این جا رحمت خدا را بدست می‌آورند و بهشت را سود خود قرار دادند.

در بیان دیگری آن حضرت فرمود: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحٌ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ»؛ کسی که به حساب نفسش برسد سود می‌برد و کسی که از خویش غفلت کند زیان می‌بیند.

در گفتار دیگری فرمود: «لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ لَا رَيْحَ كَالثَّوَابِ»؛ هیچ تجارتی همچون عمل صالح نیست و هیچ سودی همچون پاداش الهی نیست.

---

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱

۲. همان، ۲۰۸

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳

## نتیجه گیری

با دقت در مجموع مطالب این مقاله استنتاج می‌شود که آدمی وقتی قدم به عرصه عالم طبیعت و دنیا می‌گذارد از سرمایه‌های معنوی و مادی فراوانی برخوردار است، سرمایه‌هایی چون عقلی و فطرت و هدایت فطری و الهام الهی و به فجور و تقوی، و علاوه سرمایه وحی و هدایت الهی که توسط انبیاء در اختیار انسان نهاده شده است، و سرمایه‌هایی مادی چون اعضاء و جوارح و سرمایه عمر و نعمت‌های مادی فراوانی که برای تأمین انسان در اختیار او قرار گرفته است. انسانی که با این سرمایه‌ها در این عالم قرار گرفت برخی سود می‌برد و برخی با باختن این سرمایه‌ها دچار خسارت و زیان می‌شوند، انسان مؤمن در این دنیا سود و منفعت عایدش می‌شود و انسان کافر و منافق سرمایه‌ها را از دست می‌دهد. بدون آن که سودی عایدش شود.

دنیایی که میدان تجارت است فروشنده انسان است که متاع خود را عرضه می‌کند و مشتری آن، گاهی خداست که در این صورت انسانی که با خدا وارد معامله شود با توجه به مراتب و درجات انسان سودهای پایداری نصیب و بهره او می‌شود، در بالاترین مرتبه به لقاء الهی و دیدار خدا نائل می‌شود و در مرحله پایین‌تر به بهشت وارد شده و از نعمت‌های آن بهره‌مند می‌گردد، و در دنیا نیز پیروزی بهره او می‌گردد، علاوه بر آن از عذاب الهی در امان خواهد بود و انسانی که با شیطان وارد معامله شود نه تنها سرمایه را باخته بلکه برای همیشه گرفتار عذاب الهی خواهد بود. آن چه مورد معامله واقع می‌شود جان و مال آدمی است و هدف از آن برای مؤمن سعادت جاودانه خواهد بود.

مؤمنان واقعی کسانی هستند که از ایمان و عمل صالح برخوردار بوده هم به خود سازی پردازد و هم نسبت به جامعه احساس مسئولیت کند و با امر به معروف و نهی از منکر با فساد مبارزه کرده و

حدود و قوانین الہی را حفظ و پیاده نماید.